

ولی

به این دیری

سمانه کهربایان

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: کهربایان، سمانه، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور: ولی به این دیری. / سمانه کهربایان.
مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: [۷۲]ص.
شابک: 978_600_304_297_1
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی قرن ۱۴.
رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۴ و ۸۲۸ / هـ- ۸۳۵۸ PIR
رده بندی دیویی: ۸۰۴۱ / فا ۸
شماره ثبت: ۴۰۳۷۰۵۵؛ ملی: ۴۰۳۷۰۵۵



فصل پنجم

ناشر تخصصی شعر

ولی به این دیری
سمانه کهربایان

ناشر: فصل پنجم

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طراح جلد: حسین جنتی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۲۹۷-۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

صندوق پستی ناشر: ۱۴۶۶۵/۱۵۹۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۶۶۹۰۹۸۴۸ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ - ۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram: fasle5

فهرست

- ۱ / کنار باغچه‌ای کیف یارم افتاده / ۷
- ۲ / نگاه کن به درختان خشک در مهتاب / ۹
- ۳ / امروز هر جامی روم یادآور توست / ۱۱
- ۴ / خیمه‌ریزی مثل جوانی‌ها / ۱۳
- ۵ / دست که دست یار خود نیکو بگیرد / ۱۵
- ۶ / زیتون من! به نره من تیره! / ۱۷
- ۷ / با جنگل او همان رشید مانده بر جای / ۱۸
- ۸ / برای دیدن روی من اسرار گرفته / ۱۹
- ۹ / آمد او با هیبت دیرین شکوه مادر چهره‌ی او / ۲۱
- ۱۰ / مردی آن چنان سخت که تویی بر می‌چنین تلخ که منم / ۲۳
- ۱۱ / یک لحظه شیرین خوار آن شه‌خیز بودن / ۲۵
- ۱۲ / این مال توست، بچه‌ی تو، کودک مودت / ۲۷
- ۱۳ / شهادت تو همین است گریه‌ای دلگیر / ۲۸
- ۱۴ / میل سرخورده‌ی مهار شده / ۳۰
- ۱۵ / آرام باش بچه‌ی خوابیده / ۳۲
- ۱۶ / مرا به رو شدن دست روزگار قسم / ۳۴
- ۱۷ / نشان گرفتن گنجشک مرده کار ندارد / ۳۶
- ۱۸ / آینده‌ی بی رجحانی است، از خاک به خاک افتادن / ۳۸

- ۱۹ / برای تنفس هوایی ندارد / ۴۰
- ۲۰ / ز قله رد شده، افتاده در سرازیری / ۴۲
- ۲۱ / کمند شوق مرا چون طناب دار مکن / ۴۳
- ۲۲ / حساب می‌برم از کمترین نشان عتابش / ۴۵
- ۲۳ / خودت مهمتری از شعرهای خونینات / ۴۶
- ۲۴ / ای که سر به کوه و بیابان نهاده‌ام / ۴۸
- ۲۵ / ای که جای شربت و شیرینی / ۴۹
- ۲۶ / ای که می‌گویی که بخندی، نمی‌شود / ۵۱
- ۲۷ / گناه زری ترس بر دگر برید نبید / ۵۲
- ۲۸ / دنیا نداده است کسی امان و کام / ۵۴
- ۲۹ / سزای جان شریعت به آفرین باشد / ۵۶
- ۳۰ / این خرده‌های ریخته را پاره‌هاست / ۵۸
- ۳۱ / وقت است تا به شوق و صرب‌ها را بگویند / ۶۰
- ۳۲ / ای با دهان خرد شده نعره‌ها زده / ۶۱
- ۳۳ / چه تلاشی، که از آغاز عیان است شکست / ۶۱
- ۳۴ / چشم بد از آن دو چشم خوش دور / ۶۵
- ۳۵ / غریب من که برای خودم ضرر دارم / ۶۷
- ۳۶ / زهر در ظرف انگبینش داشت / ۶۹
- ۳۷ / کجا برده است قایق را تفریبات پارویی / ۷۱
- ۳۸ / بگذار صید خسته بگوید امان بده / ۷۲